

## مطالبی در ورای انتخابات ریاست جمهوری افغانستان

عملیة انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را می توان به حیث یکی از وقایع مهم قابل غور، ولی حاوی عواقب کثیرالابعاد در جریان زندگی پر از نشیب و فراز چند دهه اخیر کشور تلقی کرد. این بحث بیشتر متوجه جوانب عام، ولی قابل توجه درین مقطع حساس تاریخ ما می باشد و نه جبهه گیری بر له و یا بر علیه شخص، یا گروهی و نه هم تمجید و یا تنقید از اجراءات و واکنش احمد و محمود، یا اشاره به نارسایی در عملیة آن.

بدواً اشاره مختصر به پاره یی از واقعیت ها صورت میگیرد:

### ۱- مصارف مالی:

تعداد کارکنان افغانی و غیر افغانی با وسایل تخنیکی شان و همچنان تبلیغات توسط وسایل جمعی خبررسانی خارج مرزی غیر افغانی در ورای موضوع انتخابات مذکور نه تنها در تاریخ کشور بی سابقه است، بلکه در سطح منطقه و جهان نیز تبارز میکند. بصورت مثال در انتخابات مورد بحث ما در مقایسه با مصارف مالی هنگفت انتخابات اخیر ریاست جمهوری امریکا چه از لحاظ تناسب با تعداد نفوس، چه از لحاظ تناسب تعداد مستحقین رای دهی و چه هم از لحاظ تناسب تعداد بالفعل رای دهندگان هر دو کشور مصارف مالی در افغانستان به مراتب بیشتر از اضلاع متحده امریکا میباشد (\*). قرار معلوم عامل یگانه و یا هم احتمالاً عامل درجه یک چنین مصارف گزاف ناشی از توجه خاص به مصلحت افغانستان نبوده، بلکه ملحوظات سیاست داخلی امریکا و تا حدی هم رعایت بلند رفتن حیثیت موسسه ملل متحد در سطح بین المللی میباشد. بهر حال هدف هر چه بود امید که حال حلقه های علمی و فعالین صحنه سیاست افغانی که بحیث نتایج ضمنی انتخابات بدست آمده جهت تحقیقات مزید علمی و سیاسی استفاده ورزند.

۲- جریان انتخابات این واقعیت تلخ را بر ملا ساخت که بنا بر عواملی اکثر حلقه های فعال صحنه سیاست کشور متأسفانه هنوز هم سعی میورزند بمنظور کسب قدرت از عواطف اصولاً مشروع قومی، زبانی و سمتی هموطنان خویش سوء استفاده نمایند. در حالیکه ساختار اجتماعی افغانستان باعث میگردد که در طول زمان نه تنها این سلوک به ضرر فعالین مذکور بلکه به ضرر اقوام و گروه های مربوط هم به شکل تجرید نسبی و تدریجی شان از اکثریت جامعه افغانی تمام خواهد شد.

۳- این واقعیت البته در خور ستایش است که مردم مظلوم افغانستان با وجود ناامیدی های پیهم از هر جانب و با وجود تحدیدات متواتر و شدید مخالفین دایر شدن انتخابات مذکور را به پیمانۀ قابل ملاحظه یی سهم خود را در انتخابات گرفتند. در عین حال اکثریت قاطع شان در پاسخ به پرسش ژورنالیست های خارجی و داخلی هدف اشتراک خود را از سهم گیری شان به منظور تحقق آرمان ملی همه افغان ها معرفی نمودند که رویهم رفته حاوی مطالب ذیل بود:

بقای افغانستان یک پارچه و مستقل بهره مند از صلح و ثبات که دارای نظام متکی بر اصول اسلام باشد، تا برای همه مردم رنج دیده ما بدون تبعیض زمینه سهمگیری شان در اعمار مجدد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور مساعد شده تأمین امنیت در داخل صورت گیرد و با دول همجوار، منطقه و جهان به نوبت خود از طریق تفاهم و همکاری در فضای صلح و احترام متقابل روابط نیک برقرار گردد، و نه اعطای کدام امتیاز و یا انجام کدام پروگرام دیگر.

(\* مخصوصاً گر تفاوت سطح زندگی هر دو کشور رعایت شود

۴- با وجودیکه انتخابات وسیله غیر قابل انصراف در راه ایجاد و بقای نظام متکی بر اصول حاوی رعایت عدالت، آزادی، حفظ کرامت و رفاه افراد جامعه میباشد، خود انتخابات به ذات خود اصل هدف ایجاد چنین یک جامعه را تشکیل نمی دهد. چه گذشته از امکان تقلب، ارباب و اکراه در عملیه انتخابات این امکان هم وجود دارد که با وجود رعایت موازین شکلی انتخابات بصورت مرئی و یا نا مرئی انتخاب کنندگان در اظهار رای خویش واقعیت را مد نظر گرفته نتوانسته باشند. به عبارت دیگر دایر شدن انتخابات به ذات خود برای رسیدن به هدف مطلوب فوق ضروری خواهد بود، ولی نه حتماً کافی.

۵- باید یکی از واقعیت های مهم همواره مد نظر باشد که از بدو مرحله یعنی از مجلس بُن و مصوبات آن گرفته تا دوره مؤقت، لویه جرگه اضطراری، ایجاد و طرز تدویر آن، اداره انتقالی، تصویب قانون اساسی و لویه جرگه دوم و حتی تعدیل تاریخ اقدام به انتخاب رئیس جمهور، حلقه های مسئول و ذی صلاح افغانی و غیر افغانی از خود در برابر نظام حقوقی مصوبه خود شان نیز چندان پا بندی نشان ندادند.

۶- عده ای از صاحب نظران خارجی و هموطنان ما چنین استدلال می نمایند که چون با دایر شدن انتخابات و انتخاب رئیس جمهور بر اساس اکثریت آراء، مشروعیت حکومت افغانستان تثبیت شده و بالنتیجه قدرت مشروع لازم ناشی از حمایت مردم نیز بدسترس حکومت قرار میگیرد، حکومت میتواند منبع در راه تأمین امنیت و اعمار مجدد اجتماعی، سیاسی و اقلصادی کشور بصورت مؤثر اقدام نماید.

۷- نه تنها حضور نظامی و سیاسی دول عضو ائتلاف در افغانستان یک واقعیت است، بلکه اولیای امور افغانی نیز همواره و بصورت جدی اسرار به تقویه و تمدید حضور نظامی شان درین کشور می ورزند.

اکنون در ارتباط و با رعایت واقعیت های مذکور مطالب ذیل بعرض میرسد :

۱- مشروعیت یک نظام، ارکانش و نفاذ قدرت مربوط به آن حاوی جوانب عدیده و تا حدی هم پیچیده بوده و ایجاب بحث مفصل را می نماید که خارج از حدود این نوشته میباشد.

درینجابه تذکر ذیل اکتفا میشود: که اصولاً مشروعیت یک نظام، اراکین آن و قدرت ناشی از آن وقتی از لحاظ محتوا موجود میشود که این پدیده با اتکاء بر یک سلسله ارزش های قرار داشته باشد. ولی در سطح زندگی سیاسی جوامع معمولاً جنبه انفسی (Subjektiv) مشروعیت مورد بحث، بیشتر تبارز می نماید. یعنی واکنش مثبت مردم به شکل استقبال نسبتاً دوامدار و حتی المقدور همه جانبه افراد جامعه در مشروعیت مذکور نقش تعیین کننده را دارا میباشد.

جای شک نیست که واکنش مثبت مداوم و جدی مردم یک جامعه برای پذیرش مشروعیت نظام بحیث منبع مشروعیت نفاذ قدرت نظام مذکور تأثیر غیر قابل انصراف دارد ولی چنین واکنش محضاً با رای دادن حین انتخابات تضمین شده نمیتواند و کافی هم نمیباشد. بخصوص اگر توقع رای دهنده در باره تحقق نظام و ارزش های مطلوبش با روش بعدی اراکین آن نظام بحد کافی وفق نداشته باشد یا بنا بر نفاذ شرایط خاص دفاع مؤثر مردم از مشروعیت نظام مطلوب و اراکین آن صورت پذیر نباشد مثلاً هنگام اشغال یک کشور توسط قدرت غالب خارجی و ضد مشروعیت نظام مطلوب مردم و یا در اثر کودتای داخلی حلقه های زورمند غیر پابند به نظام مطلوب مردم و یا هم در اثر انحراف تدریجی مداوم اراکین دولت تحقق نظام مطلوب جامعه از بین رفته و یا در حالت از بین رفتن باشد.

۲- در ارتباط با مشروعیت یک نظام تا حدی هم موضوع زعامت ملی مطرح شده میتواند، ولی نه باین معنی که محض با انتخاب رئیس جمهور در نتیجه انتخابات عام و مستقیم و سری، زعامت ملی شخص منتخب بصورت حتمی تثبیت گردد.

۳- بدواً باید گفت که برای ایجاد زعامت ملی بمعنی اصلی آن علاوه بر انتخابات مستقیم، عام و سری این هم ضروری میباشد که چنین انتخابات در پرتو وجود و نفاذ حاکمیت ملی در کشور صورت گیرد و دوام یابد.

در حالیکه حین اشغال افغانستان توسط شوروی راجع به مرجع اصلی تمثیل حاکمیت ملی از طریق جهاد مردم افغانستان با شوروی اشغال گر و رژیم مزدورشان مناقشه مسلحانه صورت میگرفت و همچنان در جریان خانه جنگی مرجع ممثل حاکمیت ملی معشوش و متنازع فیه بود، در حال حاضر هم بعد از اشغال افغانستان توسط قدرت های ائتلافی تمثیل حاکمیت ملی عملاً در حالت تعلیق

قرار دارد، فعلاً صحبت از زعامت ملی بی مورد خواهد بود.

موضوعاتی که در بالا ذکر شد با وجود جوانب تنقیدی آن در حقیقت حاوی این مطلب میباشد که با انجام انتخابات هنوز مشکل حل نشده و هیچ مرجع و هیچ حلقه افغانی و غیر افغانی خود را نباید به حیث برنده میدان سیاست بپندارد، بلکه مؤفقت شان ولو به شکل تدریجی هم باشد مربوط به انکشاف امور در آینده و تکمیل یک سلسله شرایط میباشد.

۳-۱- نه جناب رئیس جمهور منتخب و وابستگان سیاسی اش و نه همچنان اوپوزیشن و وابستگان شان و نه سایر فعالین سیاسی کشور و حلقه های ذیدخل باید فراموش کنند که در ارتباط با گذشته خود هر یک (بشمول نویسنده این مطالب) بنوبه خویش در برابر خداوند، مردم و میهن ما به پیمانهای مقصریم و باید بعد از این هر یک مطابق به موقعیت و توان خویش به جبران آن بپردازیم.

۳-۲- واقعیت ها را نباید نادیده گرفت و یا در کتمان آن از نظر مردم اقدام کرد. همچنان صراحت لهجه در برابر مردم باین معنی ضروری است که مشکلات از چیزیکه هست، کمتر معرفی نشوند. بالاخره باید قول و عمل قواء حاکمه در برابر مردم با هم در تضاد نباشد.

۳-۳- جناب رئیس جمهور، سایر اراکین دولت به شمول نمایندگان آینده پارلمان و همه فعالین صحنه سیاست کشور باید در رأس وظایف خویش حصول مجدد حاکمیت ملی (در حالت تعلیق) را قرار داده و با رعایت واقعیت بینی لازم درین راه حتی المقدور متحداً جد و جهد نمایند. با فهم اینکه چنین کار تا زمانی امکان پذیر نخواهد بود تا حد اقل تأمین امنیت ضروری در وطن تحقق نیابد و تأمین حد اقل اسباب معیشت مردم ما از منابع خود افغانی میسر نباشد.

۳-۴- توفیق درین راه تا آنگه ممکن نخواهد بود، تا عده مؤثر جامعه ما به این قانع شوند که انجام چنین کار تنها توسط حلقه خاص (چه در سطح حکومت و چه در سطح اوپوزیشن) صورت پذیر نباشد و مطابق آن تجاوز لازم را عملی کنند « تا منتج به کمک عملی کتله های بزرگ جامعه ما شده بتواند »

۳-۵- از جمله وظایف حکومت و اوپوزیشن یکی هم این خواهد بود که هر کدام در عمل و نظر پیوسته به دوستان غیر افغانی حالی سازند که ذهنیت عامه مردم ما به شهادت متواتر تاریخ کشور هیچ قدرت خارجی را که به ظاهر به آمریت به افغانستان متوسل شوند، بحیث دوست و یا امر خود تلقی نکرده است. طبق ایجابات امروز باید در جستجوی طرقی شد که همکاری بین دولتین به همکاری « بین برادر ولی حساب در میان » و با رعایت تأمین منافع مشروع طرفین و احیاناً با ایجاد منافع جدید مشترک شان منجر شود.

۳-۶- با ایجاد و دوام چنین عملیه اصلاً زمینه برای تبارز زعامت ملی واقعی آن (در سطح حکومت و یا اوپوزیشن) مساعد شده و تشخیص دوستان مؤثر و دوامدار در همجواری، در منطقه و در جهان امکان پذیر خواهد شد.

در خاتمه باید با رعایت اصل انصاف گفت که: با وجود مطالب فوق الذکر عملیه انتخابات مورد بحث، جناب رئیس جمهور افغانستان را علی رغم مشکلات عدیده که به آن مواجه میباشد در موقعیت مساعد قرار داده و در صورت استفاده از امکانات پیش بینی شده با توکل بر عدالت و توانایی خداوند (ج)، با اعتماد بر جوانب نیک اخلاق و روحیه مردم ما و با تجدید نظر لازم بر روش خویش امید به توفیقش موجود است تا وظایف بس مشکل و خطیر تاریخی را که به عهده دارد به خوبی انجام دهد.

یکی از وظایف مهم ما هم اینست که خدمات و قربانی های کم نظیر مجاهدین واقعی راه حق و قربانیان معصوم جهاد و خانه جنگی ها و مظلومان دست ظالمان را فراموش نکرد، و در عمل از ایشان تقدیر بعمل آید و همچنان از کمک و تساند انسانی و اسلامی ملیون ها مردم گمنام و نامدار خانواده بشری در لحظات حیاتی جامعه ما حتی المقدور در عمل و بصورت استمرار قدر دانی کنیم.

بنی آدم اعضای یکدیگرند \* که در آفرینش ز یک جوهرند  
چو عضوی ببرد آورد روزگار \* دگر عضوها را نماند قرار  
تو کز محنت دیگران بی غمی \* نشاید که نامت نهند آدمی